دایه تبریز اورامی (نخستین شاعر شناخته شده کرد)

صفی زاده، فاروق

تمدن،آبادانی،فرهنگ و دانش در جهان تنها به همت مردان‏ قوام نیافته است،بلکه زنان نیز دوشادوش مردان،در این مسیر گامهای مؤثری برداشته‏اند و خدمات شایان توجهی کرده‏اند. برخی از این زنان نامی،همانند مردان،آثار بسیار ارزشمندی نیز از خود به جای گذاشته و صفحات تاریخ ادبیات را با آن آثار زینت داده‏اند.

یکی از این زنان ادیب،که خدمات فراوانی به زبان و فرهنگ ایرانی کرده است؛«دایه تبریز اورامی»نخستین زن‏ شاعر شناخته شده کرد می‏باشد.این زن آگاه و روشنفکر و پارسا،همانند گوهری شب چراغ،در سرزمین باستانی‏ «هورامان»دیده به جهان گشود.وی خداشناسی پارسی بود که با سوز و حالی حقیقی دلش به جوش آمد و نوای تنبورش در «جمخانه»دل و جان«یاران غار»را به خروش،و سوز چکامه‏های پر سوزش دیگران را به هوش آورد.

«دایه تبریز اورامی»بر اساس کتاب سرانجام در آغاز قرن‏ چهارم هجری دیده به جهان گشود و در نیمهء قرن چهارم هجری در هورامان چشم از جهان فرو بست و در همان جا نیز به خاک سپرده‏ شد.

دایه تبریز اورامی این زن پارسا،نخستین بانویی است که‏ اشعارش در کتاب(سرانجام)نوشته شده و بیشتر به شیوهء دو بیتی‏ است.

بر اساس دست نوشته‏های به یادگار ماندهء پیشوایان یارسان‏ خانهء این بانو،عبادتگاه و مدرسهء اهل عرفان بود و مردان و زنان‏ یاری(یارسانیان)از دانسته‏ها و دانش این بزرگ بانوی کرد بهره می‏بردند و همراه با ساز(تنبور)،دو بیتی‏های این شاعرهء بزرگ را از بر کرده و می‏خواندند.

نمونه‏هایی از اشعار او که با گویش گورانی(یکی از گویشهای باستانی کردی(یکی از گویشهای باستانی کردی)سروده است:

رازه‏ن/پیاله‏م/،رازه‏ن/پیاله‏م‏ سه رسامم/نه/به زم/رازه‏ن/پیاله‏م

باده‏ی/پیاله‏م/یاوا/وه/ناله‏م‏ چکمه/ناله که م/به رز/بی/نه/عاله‏م

برگردان:

پیاله‏ام تحفه‏ای از اسرارست و از غیب به من اهدا شده‏ و من از بزم و جم جمخانهء توحید در تعجبم

بادهء اندرونهء پیاله‏ام به داد ناله‏ام رسید

چرا که ناله و شعلهء اندرونه‏ام،سراسر جهان را در برگرفت و همه را آگاهانید.

در این دو بیتی،دایه تبریز می‏گوید:در روز ازل که گوهر همهء بندگان با هم پیمان بستند،از غیب به من پیاله‏ای اعطا گردید و من از بزم یاران جمخانه در تعجبم چرا که همیشه در اندیشهء به دست آوردن اسرارند و شهر پشت پردهء اسراسر را می‏جویند.چه‏ خوب به دادم رسید آن می که در اندرونهء جامم بود و نالهء اندرونه‏ام را التیام بخشید.زیرا ناله‏ام همهء جهان را در برگرفت‏ اندرونه‏ام را التیام بخشید.زیرا ناله‏ام همهء جهان را در برگرفت‏ و همه را از خواب غفلت بیدار کرد و نوشیدن بادهء پیاله مرا کمی‏ آرام کرد و اندکی ناله و شعلهء درونم فروکش کرد.

بیشتر دو بیتی‏ها دایه تبریز پر از واژه‏های عرفانی است.این‏ واژه‏ها از روزگار کهن در اشعار شاعران کرد و پارس کاربرد داشته است.هر کدام از این واژه‏ها نیز معنای ویژه‏ای دارند. معنی پاره‏ای از این واژه‏ها چنین است:

راز:به معنی سرّ و راز نگه داشتن است که مخصوص‏ انسانهای کامل و عارفان است،چنان که سنایی گوید:

رازی زازل در دل عشاق نهان‏ست‏ زان راز خبر یافت کسی را که عیان‏ست

پیاله:عبارت است از یار و دلدار.گویند هر ذره از این پیاله، به گونه‏ای باشد که مردان پارسا،در اندرونهء این ذرّه،بادهء علم و دانش و اسرار را می‏نوشند.

باده:به معنی یاری خداوند و عشق بلند مرتبه است.

ناله:عبارت است از راز و نیاز و مناجات با پروردگار.

دایه تبریز در یک دو بیتی دیگر می‏گوید:

جه‏م/په‏ی/راسانه‏ن/،جه‏م/په‏ی/راسانه‏ن. یاران/،یاوه ران،/جه‏م/په‏ی/راسانه‏ن.

هه‏ر/که‏س/نیوه کی/که رو/ئاسانه‏ن. جه‏م/په‏ی/روشنی/زیل/خاسانه‏ن.

برگردان:

جمع گشتن(گرد آمدن یاران)در جمخانه،کار راستان و پارسیان‏1است.

یاران،یاوران!گرد آمدن در جمخانه کار پارسیان است.

هر آن کس نیکی کند،کارش سهل و آسان گردد،

و این گرد آمدن برای روشن دل و اندرونهء پارسایان نیک‏ سرشت است.

بر اساس کتاب سرانجام،همه هفته یارسانیان می‏باید در مکانی به نام جمخانه گرد هم آیند تا اشعار سرانجام را بشنوند و بخوانند.در آغاز،پیر یا راهبر جم،تنبور می‏زند و با صدایی‏ بلند و رسا،چند شار از این کتاب را می‏خواند،سپس یارسانیان‏ آن را تکرار می‏کنند.

رفتن به جمخانه و گرد آمدن در آنجا به این سبب بوده است‏ که هر کس در حد توانایی خویش نذر و قربانی به جای آورد تا دلش روشن به نور الهی گردد و بدین‏گونه بیش از پیش به‏ آفریدگار نزدیک شود.

بر همین اساس است که دایه تبریز در این دو بیتی می‏گوید: گرد آمدن در جمخانه،برای پاک شدن و راستکرداری انسان‏ است.

در یک دو بیتی دیگر می‏گوید:

زیل/که ران/ره وشه ن/،زیل/که ران/ره وشه ن‏ یاران/وه/خوه ره/،زیل/که ران/ره وشه ن

سه رسپه رده/بان/وه/یاری/وه شه ن‏ بسازن/په ری/ویتان/یوو/جه وشه ن

برگردان:

دلهایتان را روشن سازید،دلهایتان را منوّر کنید

یاران!با پرتوی خدایی،دلهایتان را منوّر سازید

و به این آیین مقدس سر بسپارید که این آیین خدایی،بسی‏ نیکوست

و برای آیندهء خود،پیراهنی از زره بساید.

واژهء«خود ره»که در این دو بیتی آمده،عبارت از پرتوی‏ است که از سوی یزدان دادار به دل انسان می‏تابد و انسان به‏ حالتی دست می‏یازد که دانش و خداشناسی و پرهیزگاری و فرّ و شکوه ایزدی را در می‏یابد.

بایسته به یادآوری است که بیشتر اشعار این بانوی پارسا ده هجایی بوده و این نوع اشعار با اشعار فولکوری کردی که‏ ترانه‏سرایان محلی از آن سود می‏جویند یکی است.لذا اشعار این بانو،در موسیقی سنتی کردی نیز همراه با تنبور خوانده‏ می‏شود.

@منابع:

1.تاریخ ادبیات کردی/دو جلد/صدیق صفی‏زاده/انتشارات ناجی/ بانه/1370.

2.بزرگان یارسان/صدیق صفی‏زاده/چاپ سوم/مؤسسهء مطبوعاتی‏ عطایی/زمستان 1361.